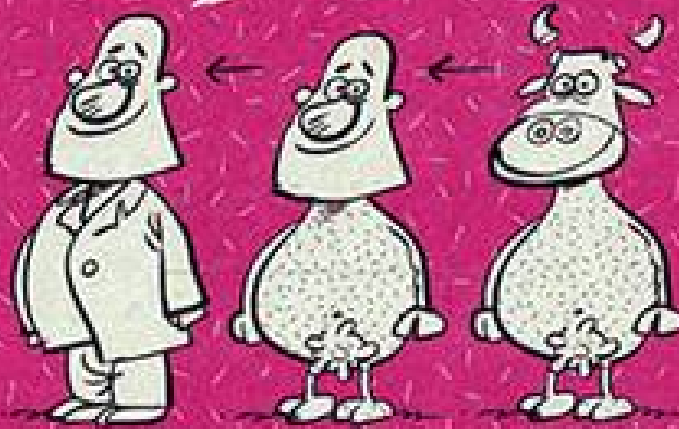




گوسالہ ام

بزرگمهر حسین پور



من گوساله ام



فصلت اول - بزرگمهر حسین پور



من گوساله ام

فصل دوم - بزرگمهر حسین پور



من گوساله ام

قدت سوم - بزرگمهر حسین پور



ir-tci.org

1384

من گوساله ام

قسمت چهارم - دیده حسین پور



ir-tci.org

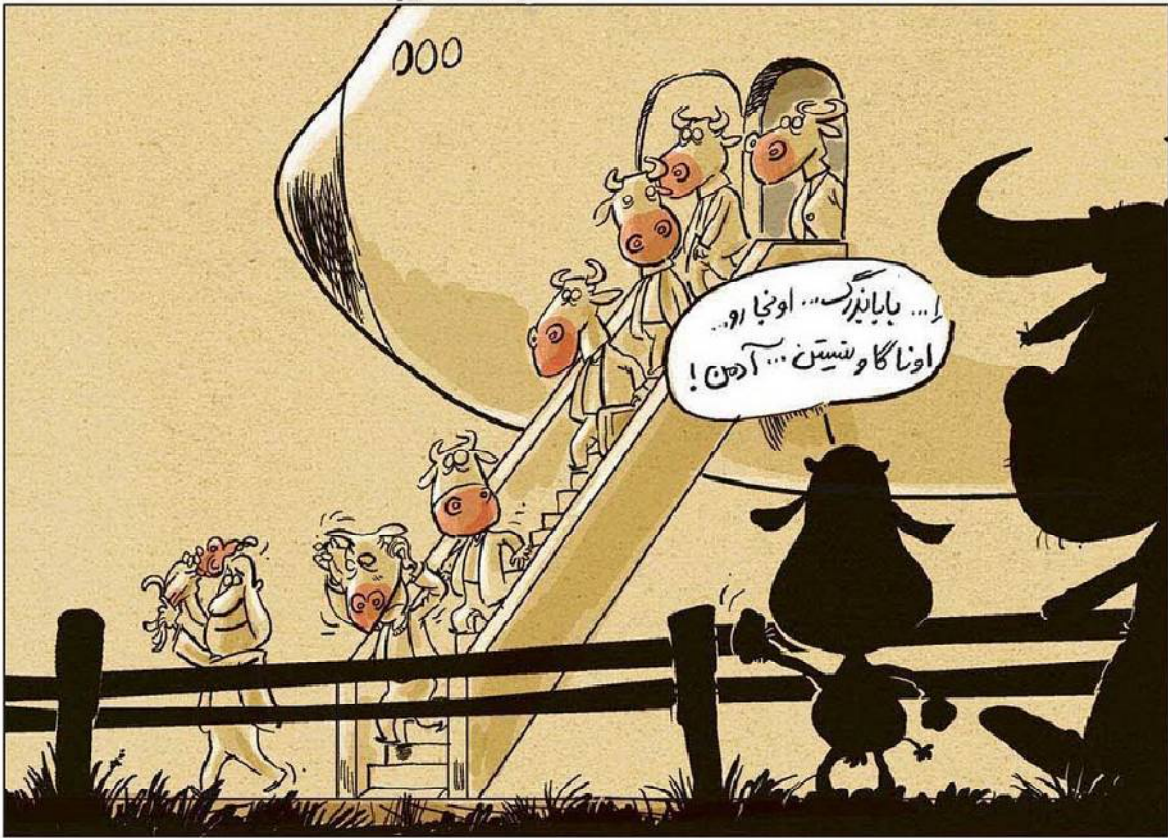
قدت پانجم - بزرگمهر حسین پور

من گوساله ام



من گوساله ام

فصل نهم - بزرگمهر حسین پور



من گوساله ام

قدت هفتم - بزرگمهر حسین پور

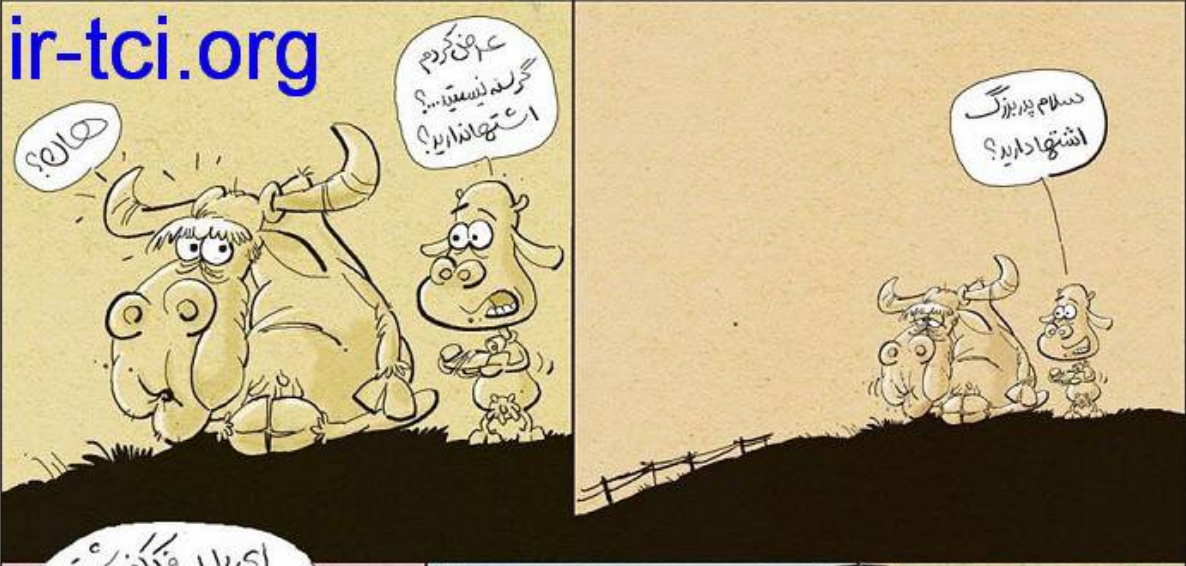
ir-tel.org





من گو ساله ام

قصه ششم - بزرگمهر حسین پور



2006

من گوساله ام

قصه‌های نهم - بزرگمهر حسین پور



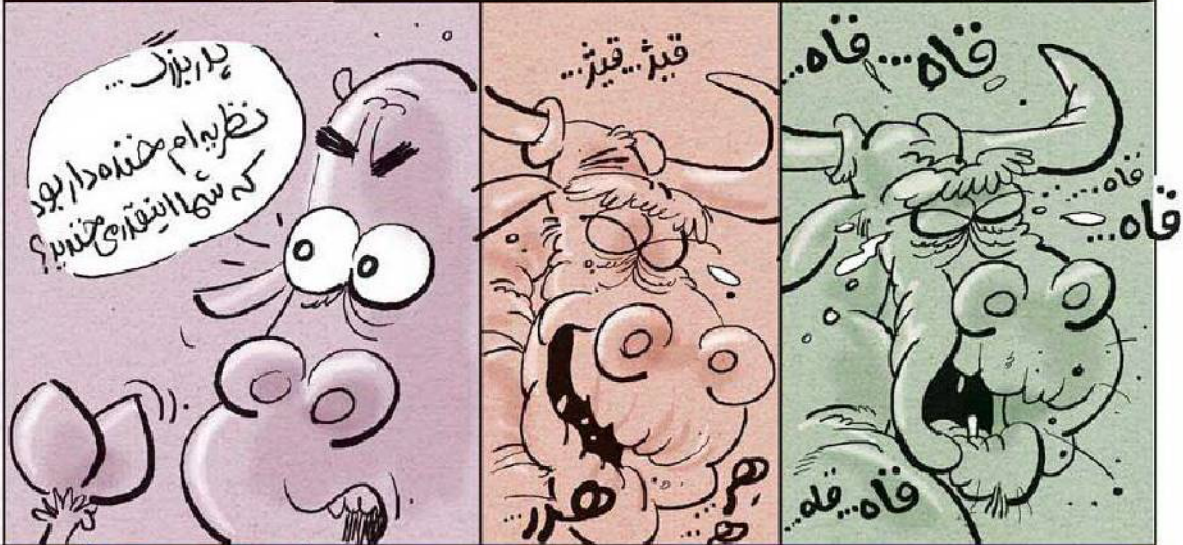
من گوساله ام

فصل دوم - بزرگمهر حسین پور



من گوساله ام

فصلت یازدهم - بزرگمهر حسین پور



ir-tci.org

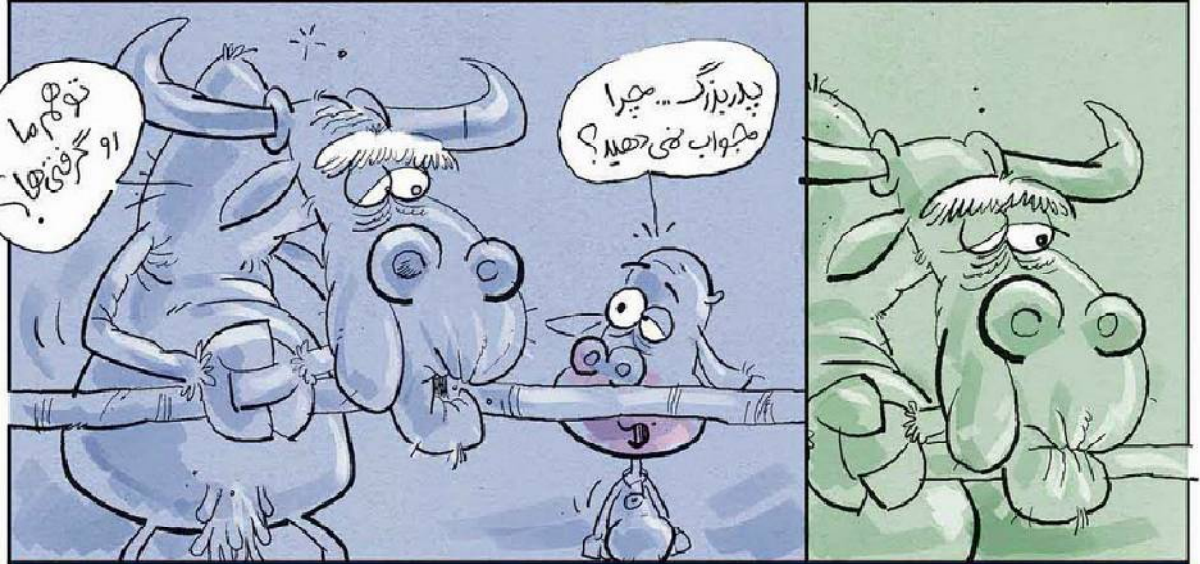
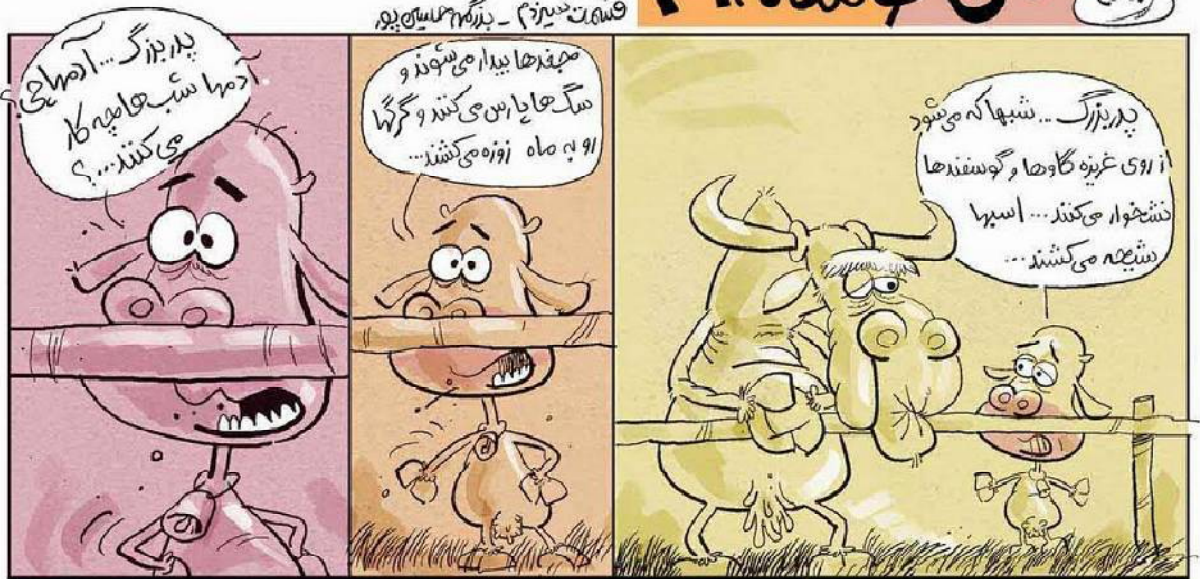
من گوساله ام

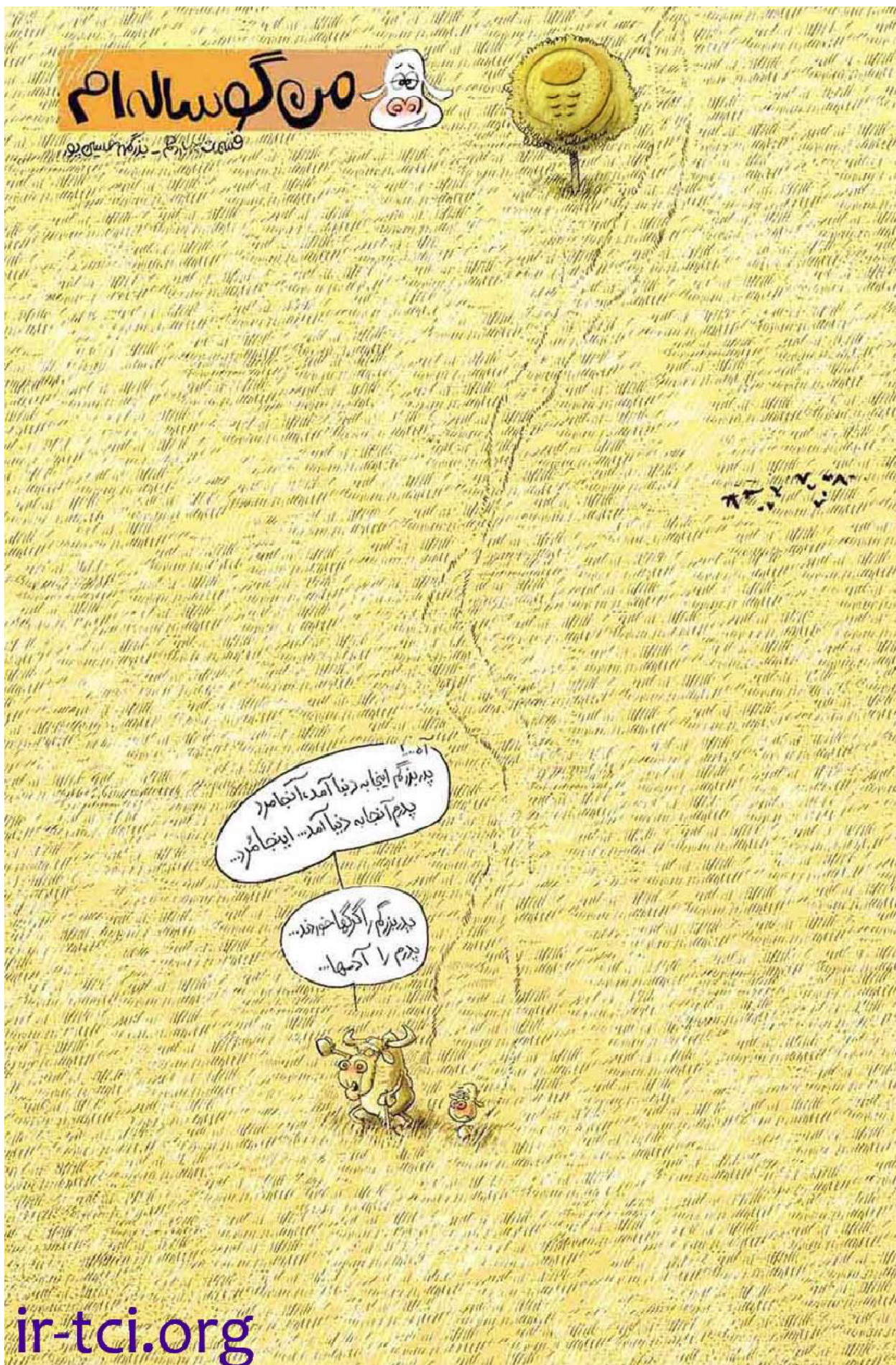
فصلت درازم - بزرگمهر حسین پور



من گوساله ام

قدت دیزیم - بزرگمهر حسین پور





من گوساله ام

قصه ت پانزدهم - بزرگمهر حسین پور

ir-tci.org



www.bozicartoon.com

Bozorgmehr Hosseinpour

من گوساله ام

قصه تئاتر - بزرگمهر حسین پور



ir-tci.org

قصه‌های بزرگمهر حسین پور

من گوساله ام



اگر آن تخته‌ها را
به من بقیه به این
نیزی گفتمی... آنگاه
بودند...



اونوقت شما انجمن نشینی
و به علفزارها آینه می‌نویس
هق... هق... اگر... اگر



پدر بزرگ، قصه‌ها او را و
گلی از آتشها ما فامیل‌ها
دوستام او کشتن...



چیسیم... برای اینکه تو زنده بری آنرا کشته شدند
قصه‌ها هیچ وقت دست خالی از مزه
خارج نمی‌شوند



من گوساله ام

قصه‌های عجیب - بزرگمهر حسین پور



مطابق با قوانین کپی رایت

ir-tci.org

www.bozicartoon.com
Bozorgmehr Hosseinpour

من گوساله ام

فصلت خوردگی - بزرگمهر حسین پور



ir-tci.org



من گوساله ام



قصه‌ت بیستم - بزرگمهر حسین پور



ir-tci.org

من گوساله ام



قسمت بیست و یک بزرگمهر حسین پور

کتابش را بگیر...؟ آه نه ما خراشها شاخ می خوریم اشتغالی به بار می آید؟

... ببینید من را ما را می شناسخت که به ما شاخ خرداد

خیلی رفیق... امروز بابا بزرگ من کلاس داده... میخوانی بیای به زره مستقیماً شو...

وای اییییی... چه بابا بزرگ گوساله من !!

برای مثال... شاخ این گوساله رو ببینید...! حیفه که این نظر... چی اینجاست... زشت و بد ترکیبه! تازه الان کوه خیله... هفتور بزرگ فنده...!

تازه این یک علامت است!

... کجای قوتی؟

پس ببینید... عندا این فسانه را گذاشته روی کله اینها که شما تا جدید مقوله بشوید که اینها "گاو" هستند...

داده خوب می شه... دام میم در بزرگمهر... 77 و 140 شما خراشها به... چه بزرگمهر...

من گوساله ام



فکرش نیست و فکر بزرگمهر حسین پور

ادامه صفحه قبل



1396

ترجمه پیام: یسرم، اگر گیر خمرها اقتداری، سریع خورت با به خفربت بزک، آزاد می شوی. در نزد خدان خمر نشون... تنها راه نجات است... زود بزرگ

ir-tci.org

www.bozicartoon.com
Bozorgmehr Hosseinpour

من گوساله ام



فصلت چیست و سوز - بزرگمهر حسین پور

ارامه، صحنه: قبل



هان! اهن...
ما او مسخره می کنی!!
می شود نم تا!



مناب... در اینستا بگو بینما
۲x۲ چندتا می شود؟

می شود...
را...
ه تا!



اهای... صبر کنید...
من متوجه این پیام رفتم...
می خواهم اعتراف کنم...



عالیه! بین، آه
ی خوی آزاد بشی بادی این
حرفها او جلوی تمام خنها
منزله بینی... تازه جلوی
باید به بیابان برگ هم
مختی بی...
نویسی؟

بله



ا... ببینید... ما یک هست
گور خن هستیم که چند تا مزه
اونوقت زندگی می کنیم و من به
زندگی از اونا او هم نسل
هر چی «خن» هست او
و ا د ام!



هالا بگو بینما...
کی تو او فرستاده
خن جینی؟ هان؟



آهان... در ضمن در بزرگمهر...
در بزرگمهر مثل «گلو» می مونه!

قه قاه

مثل گلو؟

هر هر



دستمان عزیز... هونظرم که ملاحظه
می کنید من یک گور خنم. و او هم که نسل
می خن مثل شماست او بزرگمهر. البته یسوی...
پهن خوردم که او هم...
ع... ع... ع...

فردا صبح:

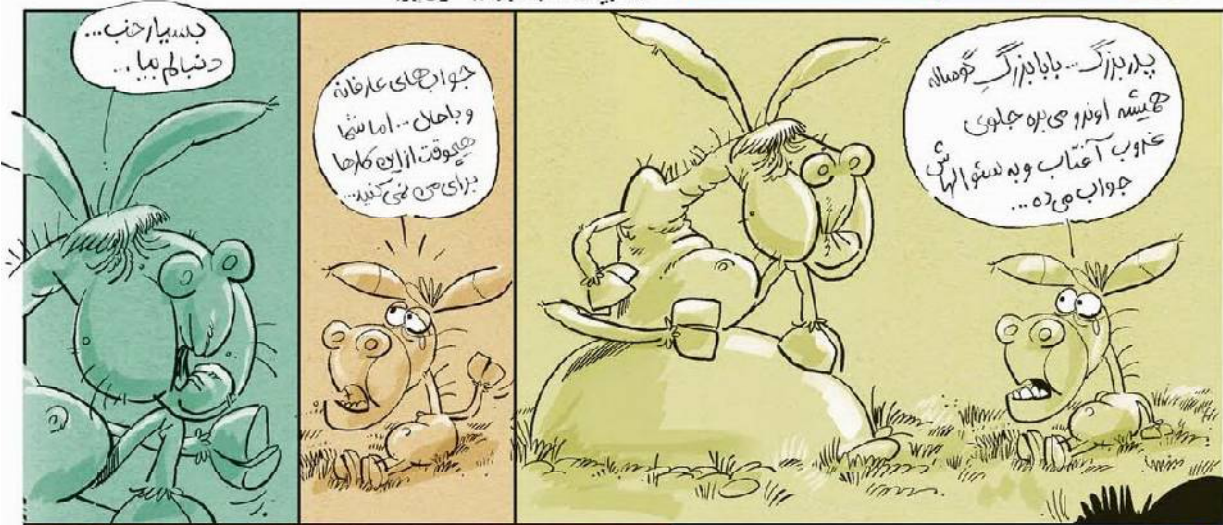
من گوساله ام

قصه‌ت نیست چو آنگ دیرمهر حسین پور



من گوساله ام

قدیمت نیست و بچم - بزرگمهر حسین پور



من گوساله ام

فصلت بیست و نهم - بزرگمهر حسین پور



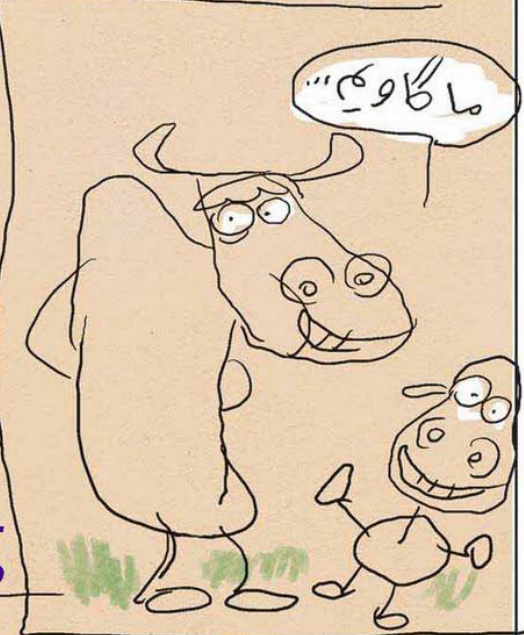
بسم الله الرحمن الرحیم
[Red scribbled text covering the main body of the page]

ir-tci.org

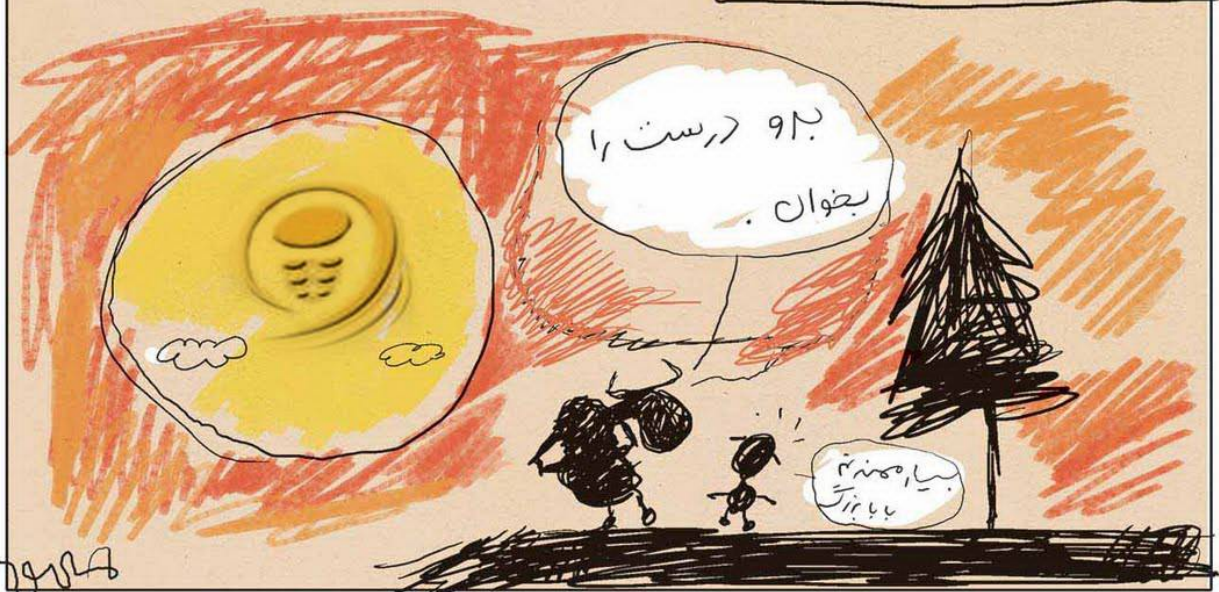


من گوساله ام

فکریت نیست و حقیقت
بزرگمهر حسین پور



ir-tci.org



۱۳۸۴

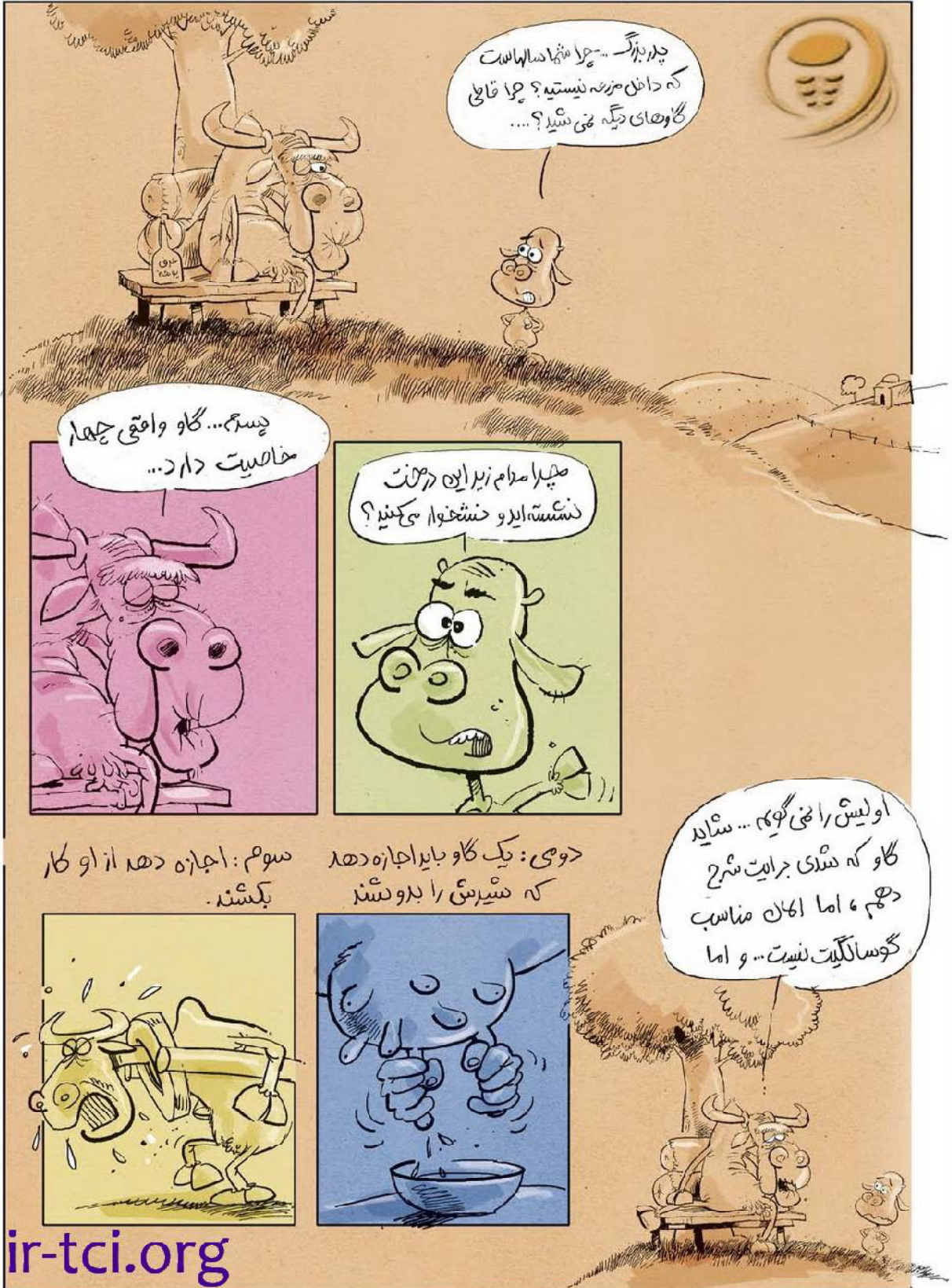
من گوساله ام

قصه های بیست و هشتم



من گوساله ام

فصلت چیسین و نون - بزگمهر حسین پور



چرا بزرگ... چرا منم ساهام است
که داخل مزرعه نیستید؟ چرا قالی
گاوهای دیگره نمی نشیند؟ ...

چسبم... گاو واقعی چهار
خاصیت دارم...



چیزها صدام زیر این درخت
نشسته اید و خستخوا می کنید؟

سوم: اجازه دهه از او کار
بکشند.



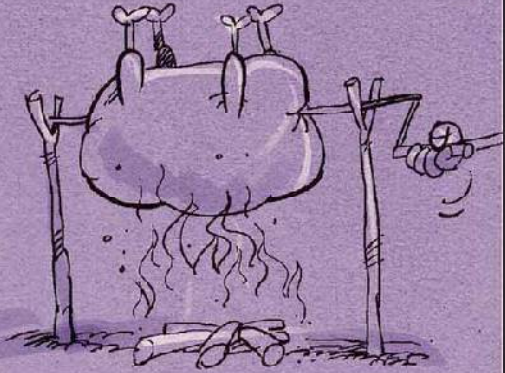
دومی: یک گاو باید اجازه دهه
که شیرش را بدوشند



اولین را نمی گویم... شاید
گاو که سدی جرات شرح
دهم، اما اکلان مناسب
گوسالگیت نیست... و اما



چهارم: اجازه دهه گوشت او را بخورند



گاو خوب گاو نیست که
آن سه مفاصیت دیگر را
داشت باسه... و من اینطور شده
که به بیرون مزرعه پرتاب شدم!

ir-tci.org



من گوساله ام



قدمت من ام. بزرگمهر حسین پور



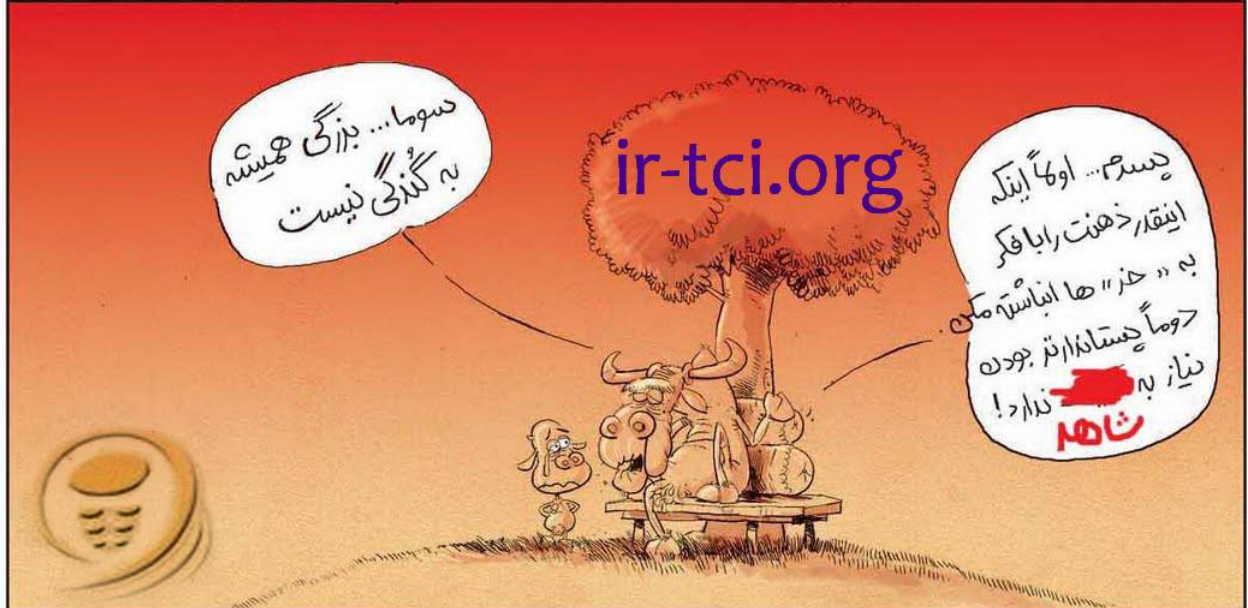
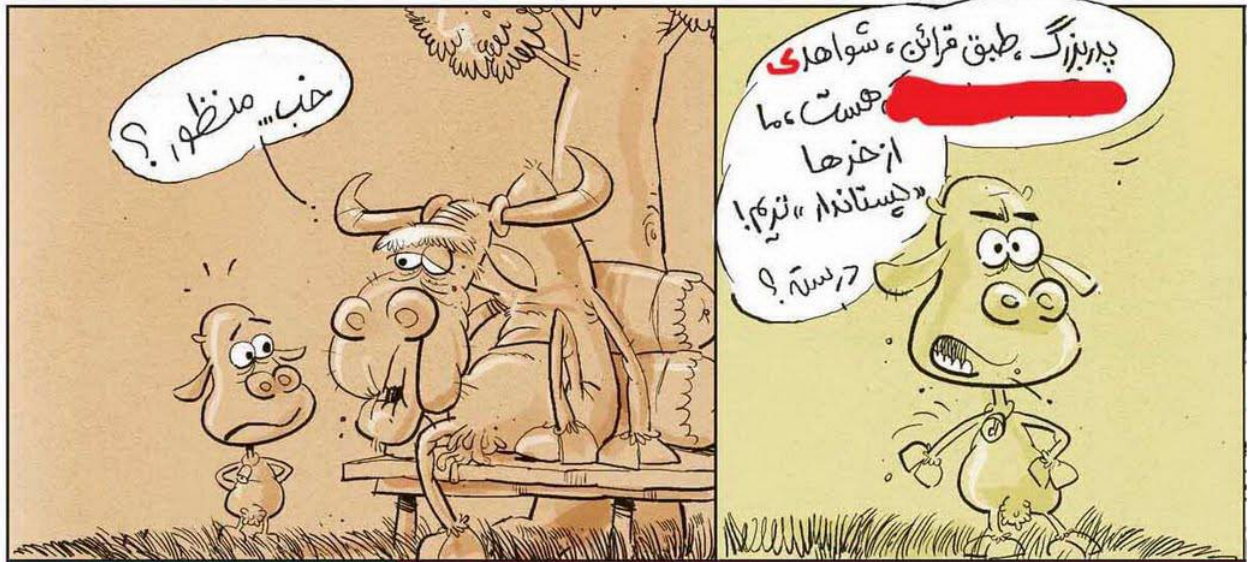
... اما همچون لحظه یک گرگ جمله کرد و افتاد دنبال قصابه... آہ گرنہ نیامہ بود
من اکل مرده بودم...



من گوساله ام



فشنهت می یوم بزرگمهر حسین پور



من گوساله ام

فلسفه می و روح - در نظر حسین پور

وظیفه یک گوساله این است:

صبح به صبح ناشتا یونجه های تازه بخورد تا سه حال با پیدا کنیم.

دوم: هر ۱۹۱ مقداری ورزش کن تا عضلاتش نرم شوند.

پنجم: پرتاب با م

تازه یونجه تازه

سوم: او را نه کی تحریر کن تا آرام باشد و ذهن و جسمش سالم بماند.

۲

۳

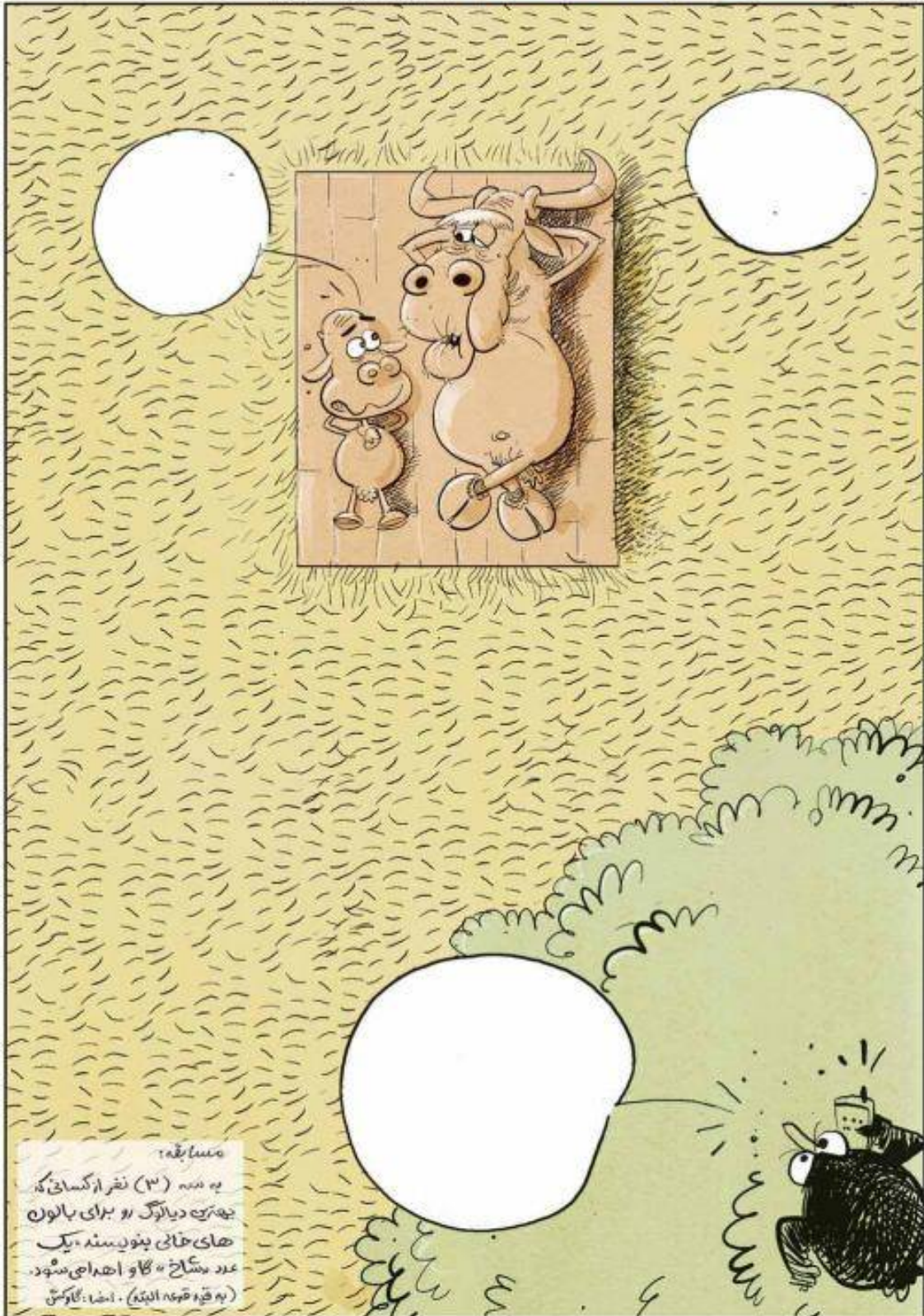
ir-tci.org

برای پی پد بزگ؟

برای اینکه هر زمان که صاحبش او را بخورد گوشش نرم باشد و به پیوست و یا اسهال و یا مرض دیگر مبتلا نگردد

من گوساله ام

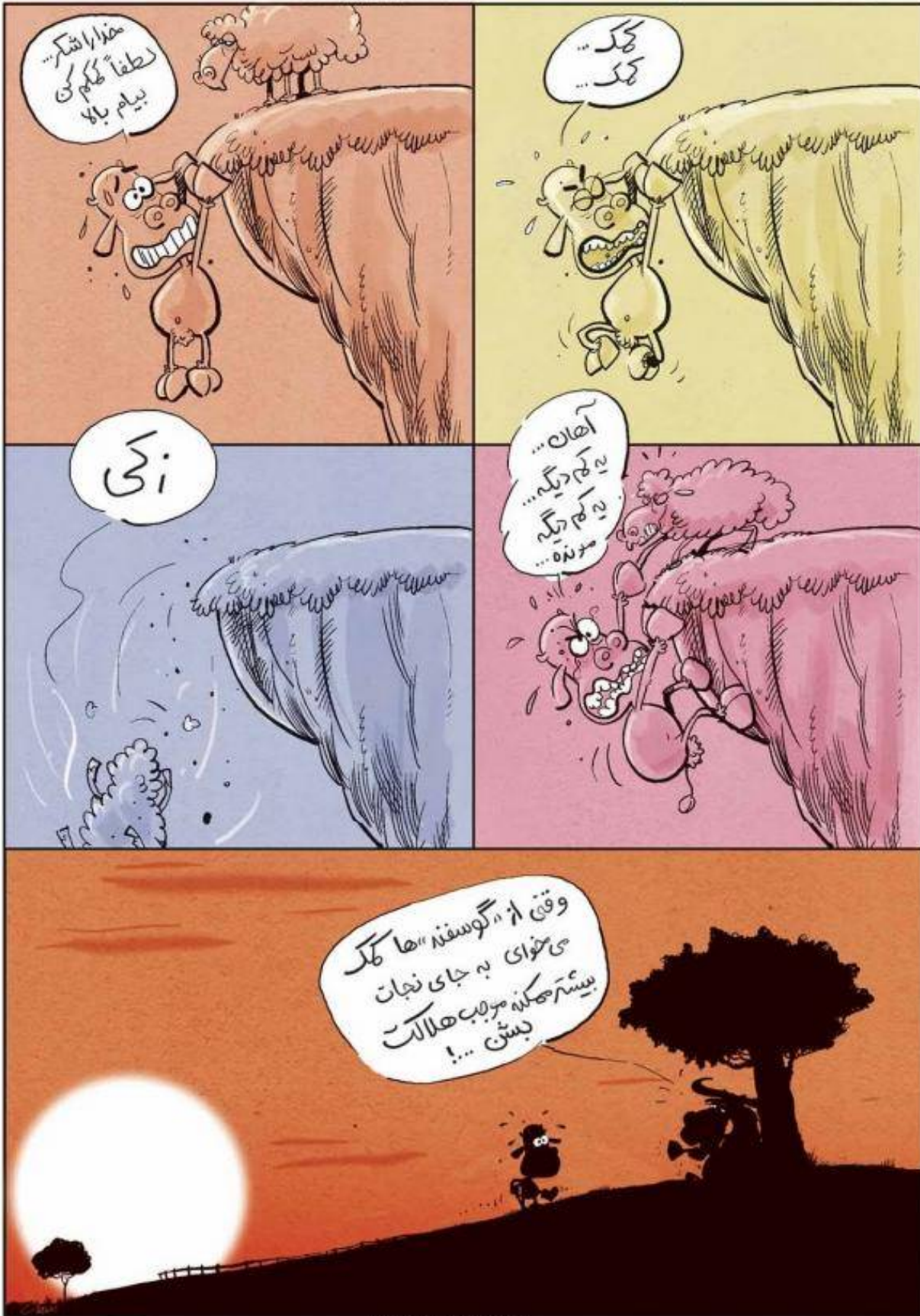
قصه‌های منگوساله



منسابقه:
به نوبه (۳) نفر از کسانی که
بهترین دیالوگ رو برای بانون
های خانگی بنویسنند، یک
عدد بسخاخ به گاؤ احمد احمی بشود.
(به قوه قوه انبیه). اعضا: گاروش

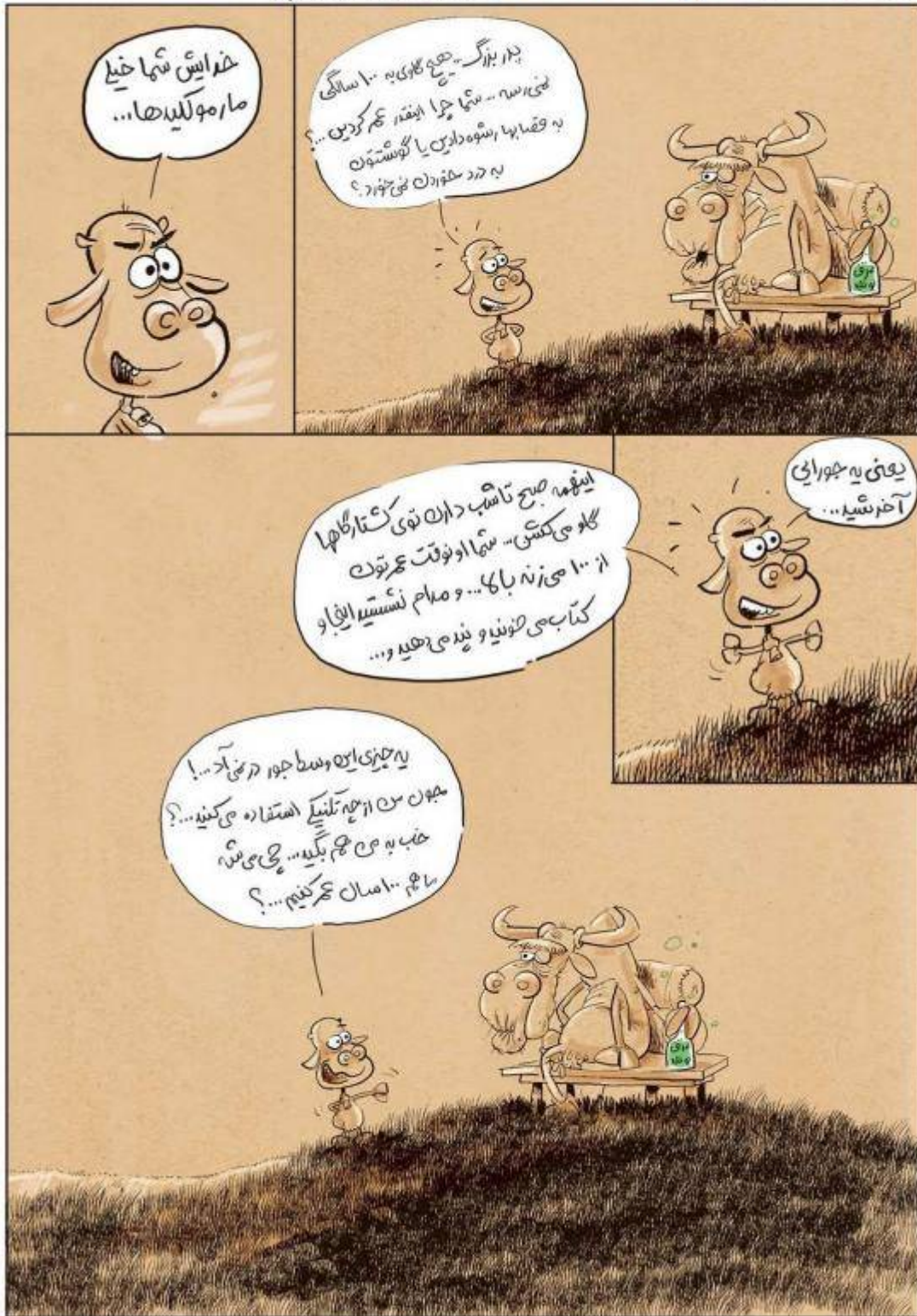
من گوساله ام

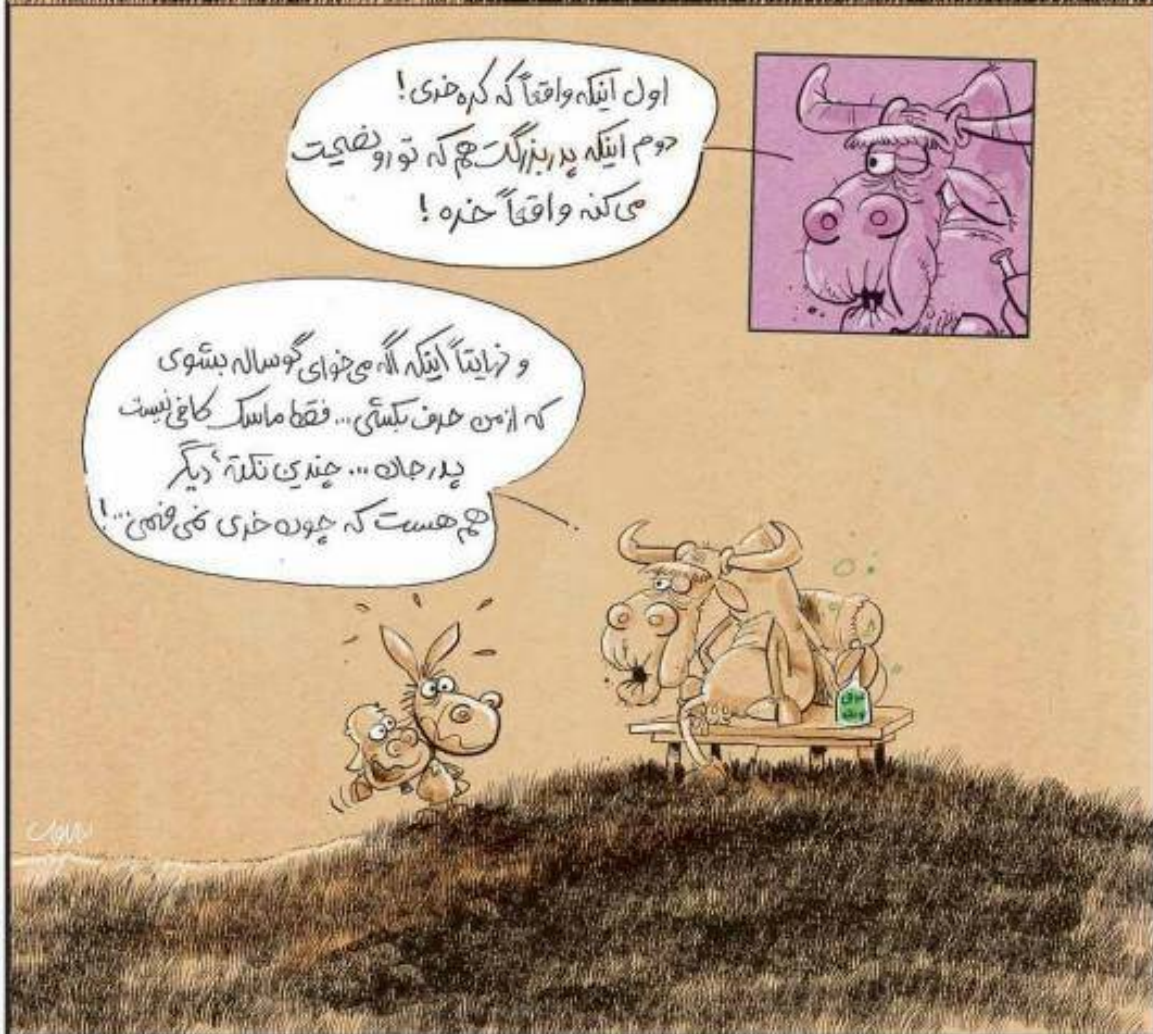
قصه‌ت من و پاپی بزرگمهر حسین پور



من گوساله ام

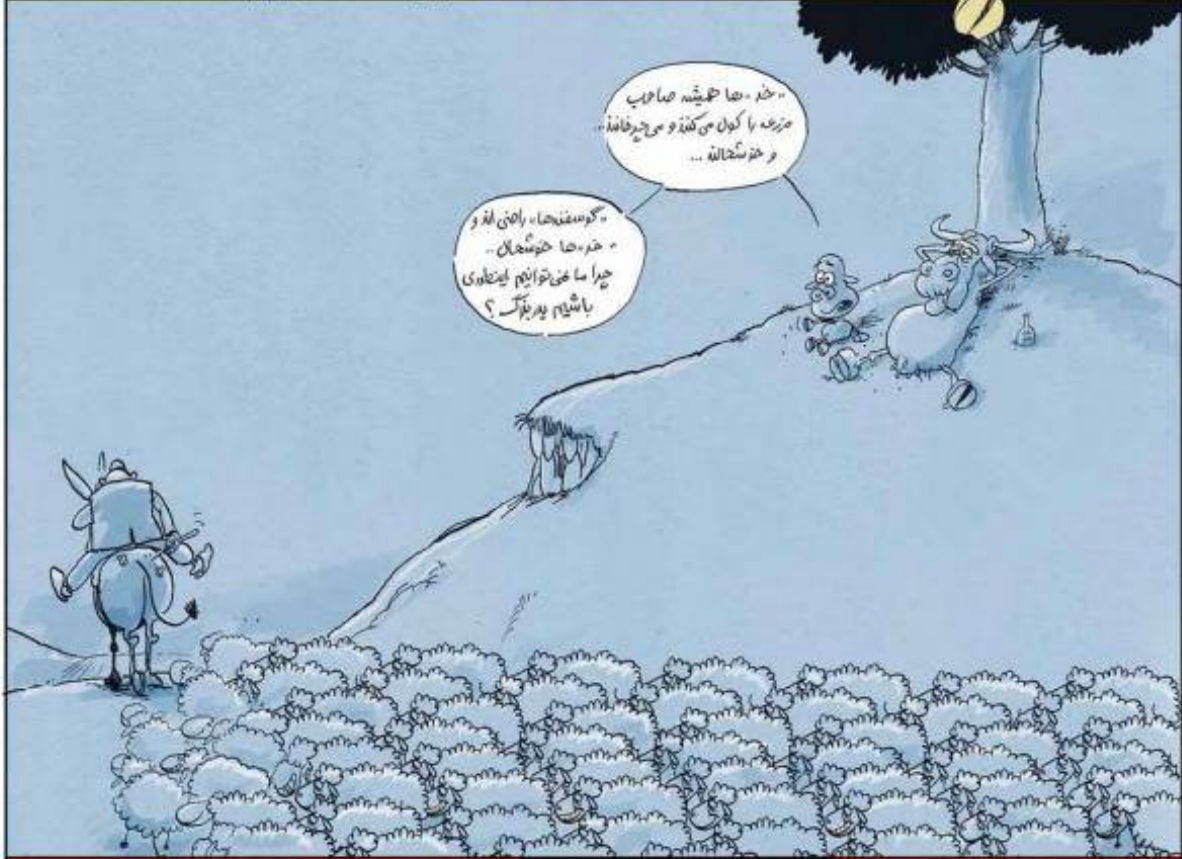
قصه‌ت سی بی بی - بزرگمهر حسین پور





من گوساله ام

قدت می رشن - بزرگمهر حسین پور



من گوساله ام

قدیمت می رخصتیم - بزرگمهر حسین پور

بابا بزرگ...
بچی شاه؟ چرا > ۱۹۱
که آفتاب در نیوم ۵۰؟

چرا همه جا
شب شده...؟
آفتاب مگه می سوزه
چند روز عییش
بزنه؟!
فنی دونید با چه
زجهت کورمال کورمال
از طولیه تا اینجا رو
اومدم...
پدر بزرگ...
شما اینجاست؟
هان؟

یک دست اوی
چشمانت بکش... و آن
پارچه را بردار...
اگر به قول خودت کورمال...
کورمال تا اینجا نیامده پوری
تا الان توی قصابی آونزاران پوری...

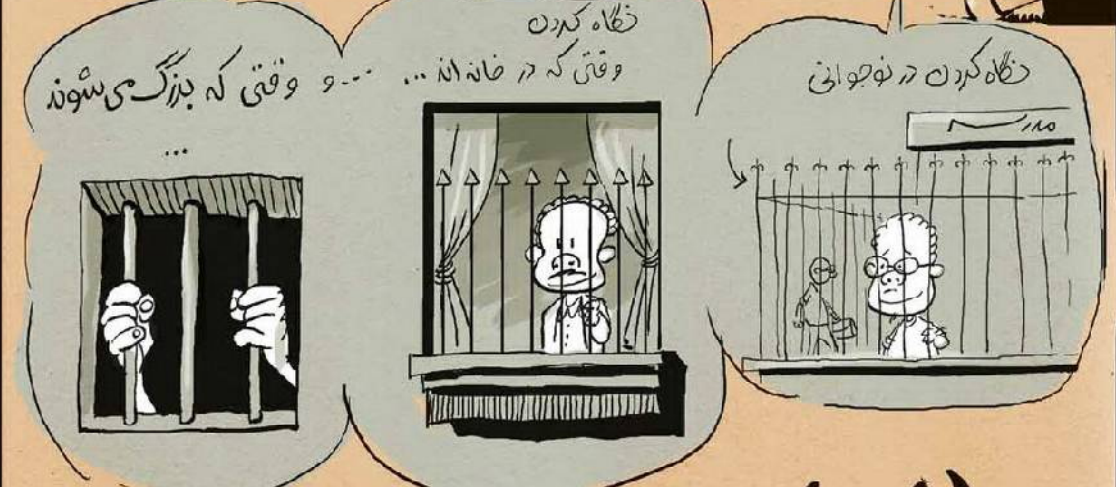
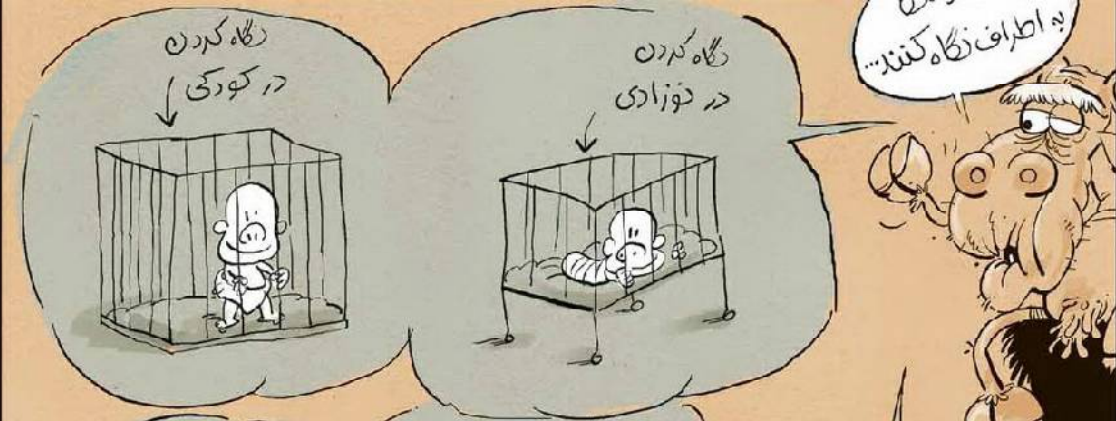
میرم... خیلی
خنگی...!
بله؟



گوساله جان.. سو وقت دیری
دنیا تیره و تاری می شود... یک دست
به چشمانت بکش! در غم
آدمها سو وقت می خواهند سوا و انت نیست
بکنند.. چشمانت را می بندند!

من گوساله ام

فصل هفتم - بزرگمهر حسین پور



ir-tci.org



Stamp

www.ir-tci.org

من گوساله ام

فناوری های روز - بزرگمهر حسین پور

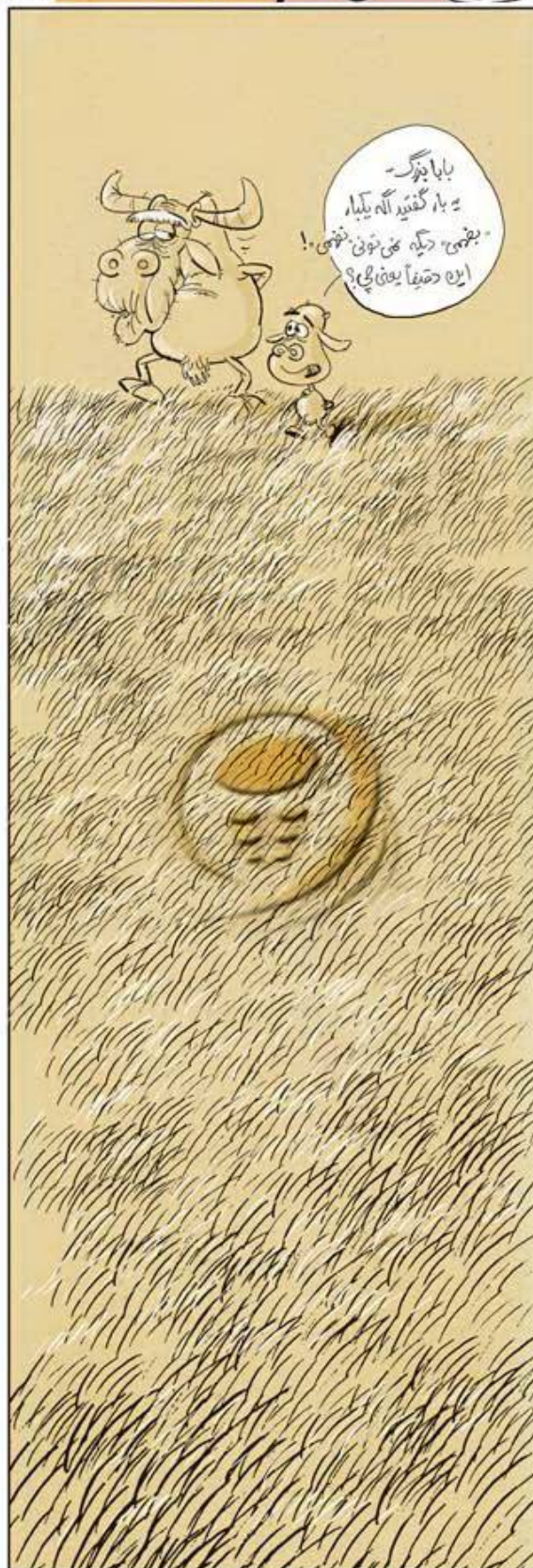
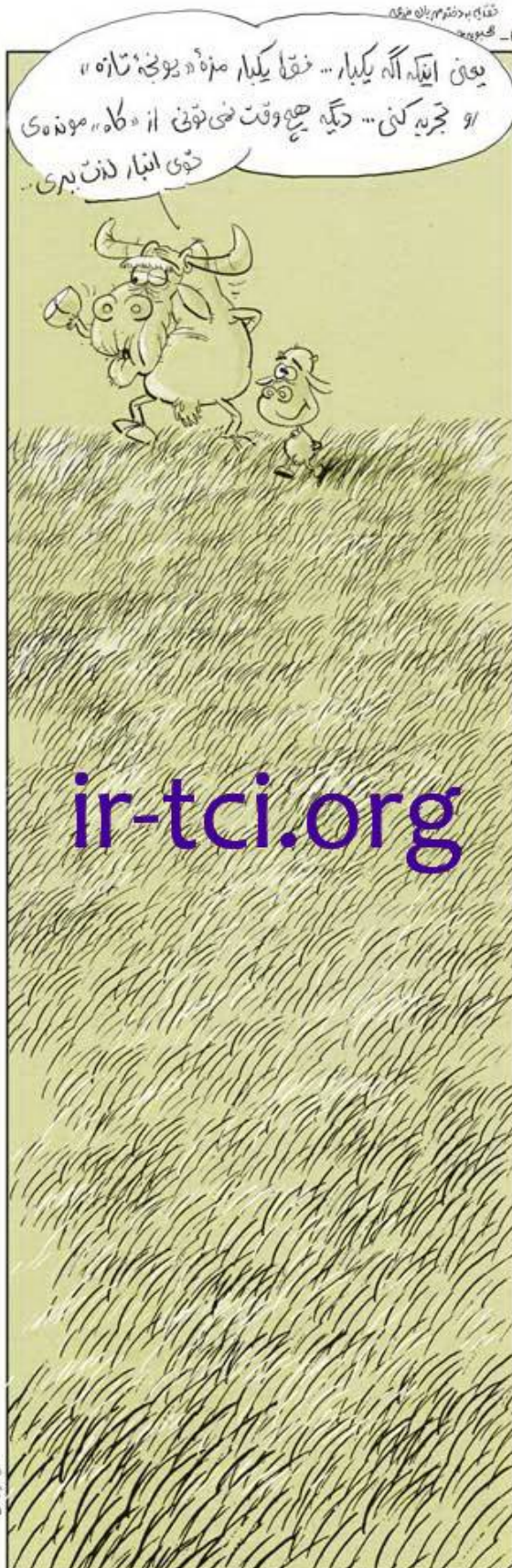


ببین پسرم...
به این می گن مأمولیزا...
چهار صد سال بعد از این اثر
آدمها از روش کپی برداری
کردن...!

ir-tci.org

بزرگمهر

من گوساله ام



من گو ساله ام



ازین سالی زاده
شهرت پیشانی و کاسه

ir-tci.org

ما کله ما هم
انقولانه آفوی
ی نسیم؟



بلیانزار
آفوی ی نسیم
e. a. 0



افه نسیم جان اینم نسیم نسیم سوال
انه ما هم انقولانه ای فوی ی نسیم
نه اسس ی نسیم انقولانه ای گامی



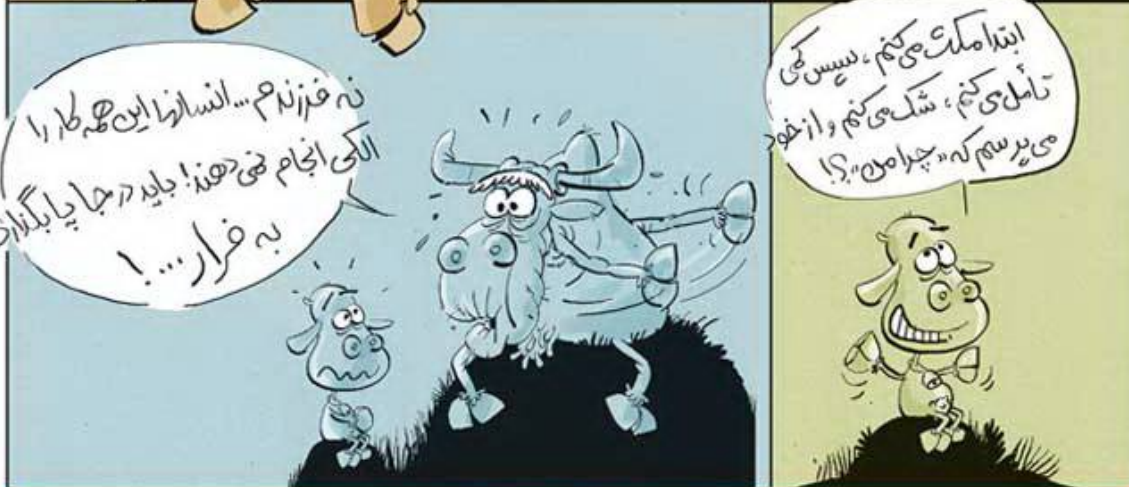
افشین جان!
دستت درد نکنه که
تو اندکمان را برای اولین بار
با طنز و کاکتون ناب
و ازاشعه آشنا کردی

یادداشت کلیدواژه ها!
بزرگمهر لای با گواله هاس بین نیکوکار
این هفته که نسیم ی نسیم ی نسیم
آسون ترین کار دنیا بود، فوی انقولانه ای
متاسفم افشین جان...
حتی استفاده اد کاو کشیدن! هم
نداری... قزو صدا بپسین منتظره
یه هفته گرفتار بپسین مثل تو...
بیان جایه او نیکون! (گو ساله اشون)

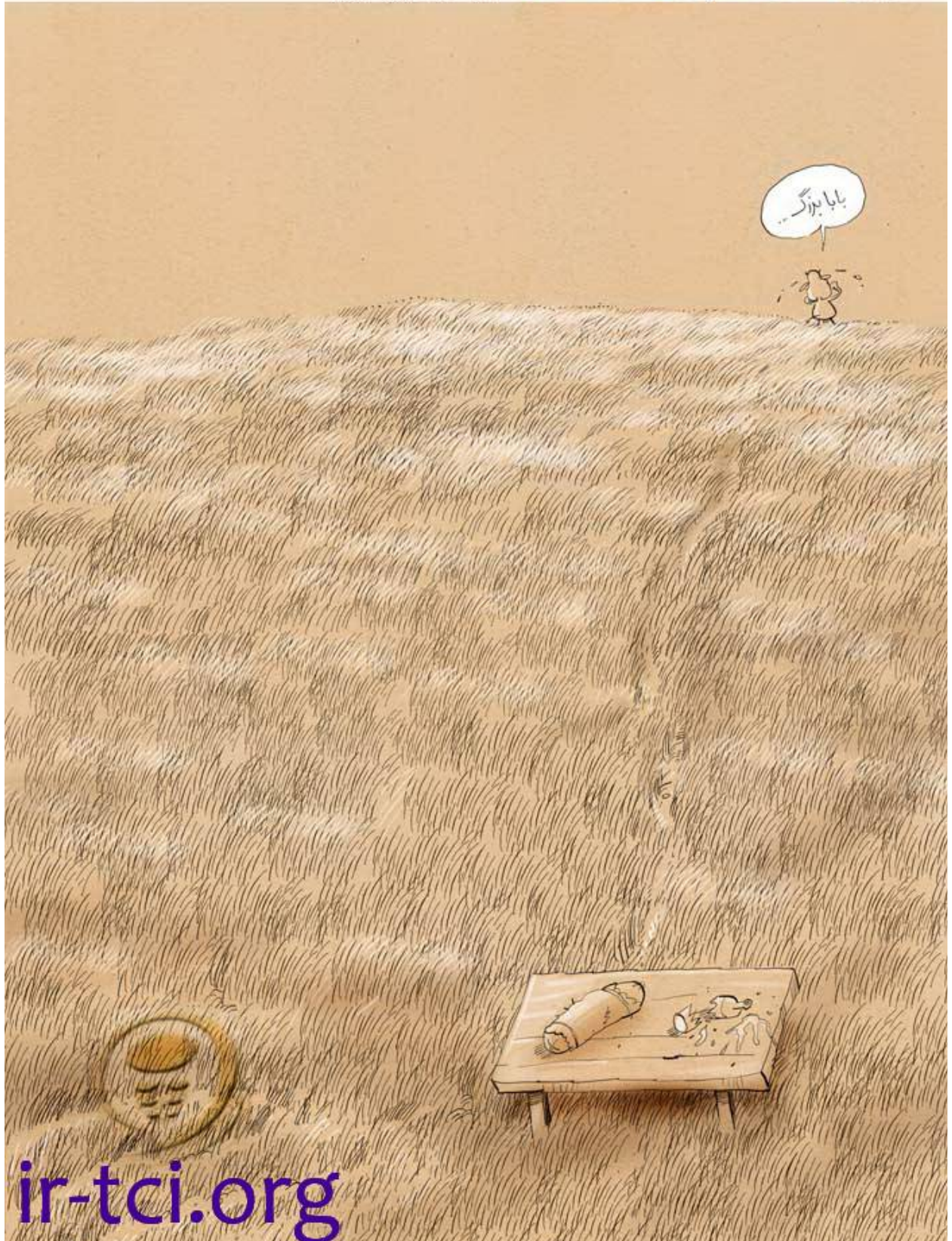
من گوساله ام



قصه‌های چهل و نهم - بزرگمهر حسین پور



من گوساله ام



من گوساله ام

فصلت چهل و چهارم - بزرگمهر حسین پور



ببخشید حوستان... شما پدر بزرگ من او نزدیکید؟ واقعا اینتون یک گاو پیر بودن؟



ا... ببینید... به عبارتی همه اعضا یستان شوره کرده بودن... اونزک بودن... هان؟ نزدیکید؟ بله؟



ببین... اینها گوسفندند... کجی تویی؟ هر چی هم چوپون بگه بگو... میخنی! چوپون هم اونجاست، آه سگوان داری از اون پیرسی یا برو گمشو!

نگار سنگ



ir-tci.org

شما خوردن کی گشتی؟

منم پاره تو سفیدی که از گله خارج بشوند با من...

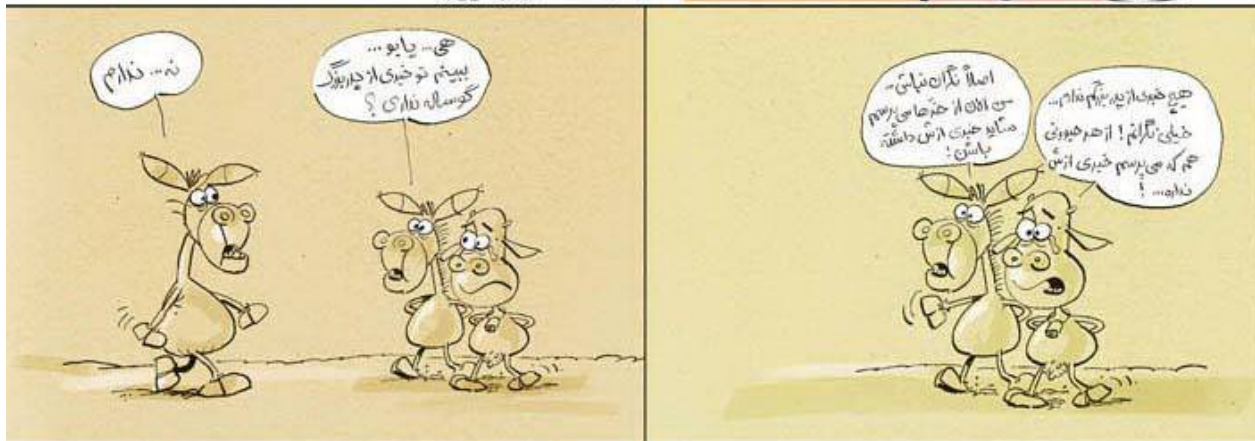
من گوساله ام

قصه‌تخیل و طنز - دیوگهر حسین پور



من گوساله ام

ششمین قسمت از مجموعه بزرگمهر حسین پور



ir-tci.org

با عرض پوزش از خوانندگان محترم، به دلیل ارسال بار اربیت در بخش «من گوساله ام» اختلال ایجاد شده. همکاران من مشغول تلاشند و به محض رفع ایرادات وارده تصویب شفاف را خدمتگاه ارائه می کنند.

من گوساله ام

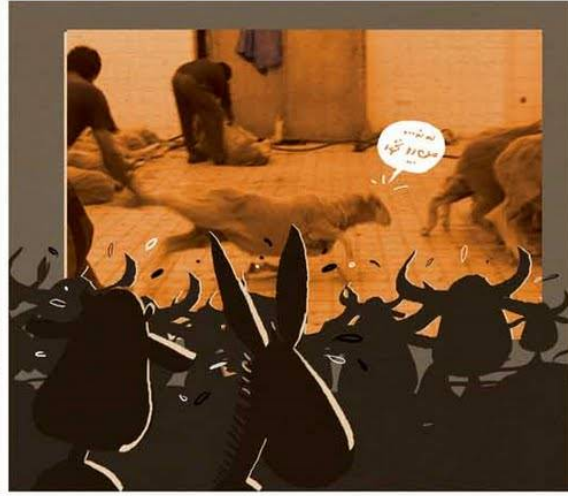
قصه‌های پندآموز - بزرگمهر حسین پور



من گو ساله ام



فصلت چهل و پنج - بزرگمهر حسین پور



من گوساله ام

قصه‌تخیل و نطنز - بزرگمهر حسین پور

گوساله... بلو بیا
بابانیزک بشت خطه...
زود باش که حجه داه...

صاح...
بابانیزک

کجانید...؟ حالتون چطوره؟
چی کار می کنید؟ چی کار کردین؟
چی کارتون کردین؟ واسیچی
افتنی؟ اصلاً چرا رفتین؟
افتنی یا [redacted]؟

چی می خورید؟ خوب می خورید؟
لاغ نسید؟ درم واسئون تنگ شه...
اونزای چی می گن؟ حرف حسابون
چی؟

تقا...
پوووووووووووووووووووققق

آه...! آله پدر بزرگ بودی گفت
هیج وقت حماقت هایت او با کلامه
"خداقل" توجه نکن!

خفوت رو ناراحت نکنی
که فرصت نداری حرف بزنی...
خداقل فهمیدی که زنده است

من گوساله ام



فصلت پنجاهم - بزرگمهر حسین پور

نامه پدر بزرگ برای گوساله :

سلام بزرگوساله عزیزم

ای پسر جان، هیچ می دانی که ما گاوها چقدر گوساله بودیم؟ یارت می آید
 که من چقدر حرفهای احمقانه ای به تو گوساله می گفتم؟ آه...
 من چقدر در احمقی غرور رفته بودم **آخ**... بیخنده.
 بله... من چقدر در احمقی غرور رفته بودم و چقدر نا آگاهانه
 حرفهای نشنودار می کردم که بوی یونجه گندیده می داد. من چقدر
 نابخردانه تو را که نسل جوان گاوها بودی و در واقع یک
 گوساله ساره سوح بودی را تحریک کردم که بیای و دنبال
 من برویم تا مزرعه و نزدیک غروب آفتاب حرفهایی از
 دهان من بشنوی که نه من آنها را ~~می گفتم~~ می فهمیدم و نه
 تو عقلت می رسید که آنها را بفهمی و ما فقط تحت تاثیر
 باد! گول خورده بودیم. حالا من، گاوی پیر و کهنه، پلاستیکی
 احمق، تو را ضریب دادم و دم پر هین ها و غرور و کلا هر
 چی ببت گفتم احمقانه بود. لذا تو ای گوساله... دیگر حرفهای من
 را باور نکن و مثل یک گاو امین، برو و هر چه حرفها می گویند را
 گوش بده.

امضا: پدر بزرگ

مهر من ←

من گوساله ام

قصه تپه‌ها و بکام - بزرگمهر حسین پور



من گوساله ام



قدت پیچاه - بزرگمهر حسین پور

جواب گوساله به نامه پدر بزرگ:

سلام بابا بزرگ

نامه شما رسید و با اینکه بد خط نوشته بودید و

خطتان عین خودتان نبود ، از پنجاهایتان درس عبرت

گرفتم . با اینکه هنوز نخوانسته اید که کجا باید ما خوشحالیم که

زنه اید ، چون اگر مرده بودید که نامه نمی نوشتید.

اصلاً تاگران ما نباشید ، چون از وقتی شما رفتید

آقای اطلاع همه اش مواظب ما هست و از بس من مرادوست

دارد یک لحظه هم مرا تنها نمی گذارد و حتی من را پسر م

صدا می کند و البته من نمی توانم بفهم چطور می شود من

پسرش باشم .

➔ ضمن پسی از خواندن نامه شما تازه

فهمیدم چقدر اشتباه کردم و همه اش دم عزوب آفتاب

از شما هی سوال کردم و شما مجبور نشاید هی جواب من

را بدهید و من را همراه کنید . سگ و شتر و بز هم سلام

رسانند . ➔ ضمن من چند شما را آویزه گوشش کردم و هر چه

خرها می گویند را گوش می دهم . امضا: گوساله

من گوساله ام

قصه ت پناه و بزرگمهر حسین پور



من گوساله ام

چهارم دیوار حسین پور
قصه ت پناه



من گوساله ام

قدت پناه و پنج - بزرگمهر حسین پور



نه... نه... باورم نمی شه...
باورم نمی شه... بابابزرگ

گوساله... گوساله...
مژده... مژده... بابابزرگت
داده میاد...

بچه فرقی می کنه؟ مگه بابابزرگت سا خن
کج نبود؟ مگه پوستش چرک نبود؟ مگه کمرش
قوز نداشت؟ مگه کلا آونزون نبود؟
همینه دیگه... حقه سخت می گیری...

حان؟ این... اینکه بابابزرگ
من نیست؟!

... ما خدایه اصطلاحی داریم...
می گویند هر که سیل داده - باباته!

من گوساله ام

فصلت پنجاه و نهم - بزرگمهر حسین پور

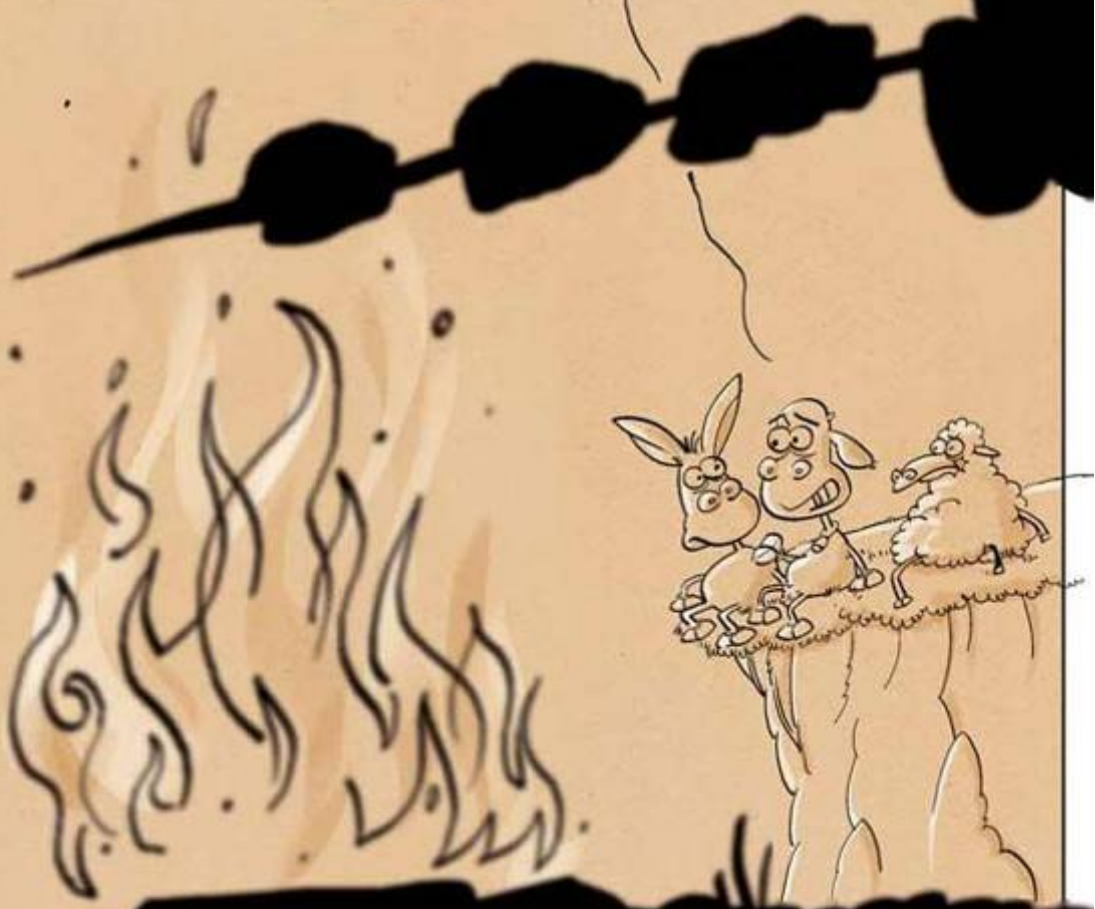


هفت روزگرم حسین پور
قدت پناه و - بومر حسین پور

من گو ساله ام

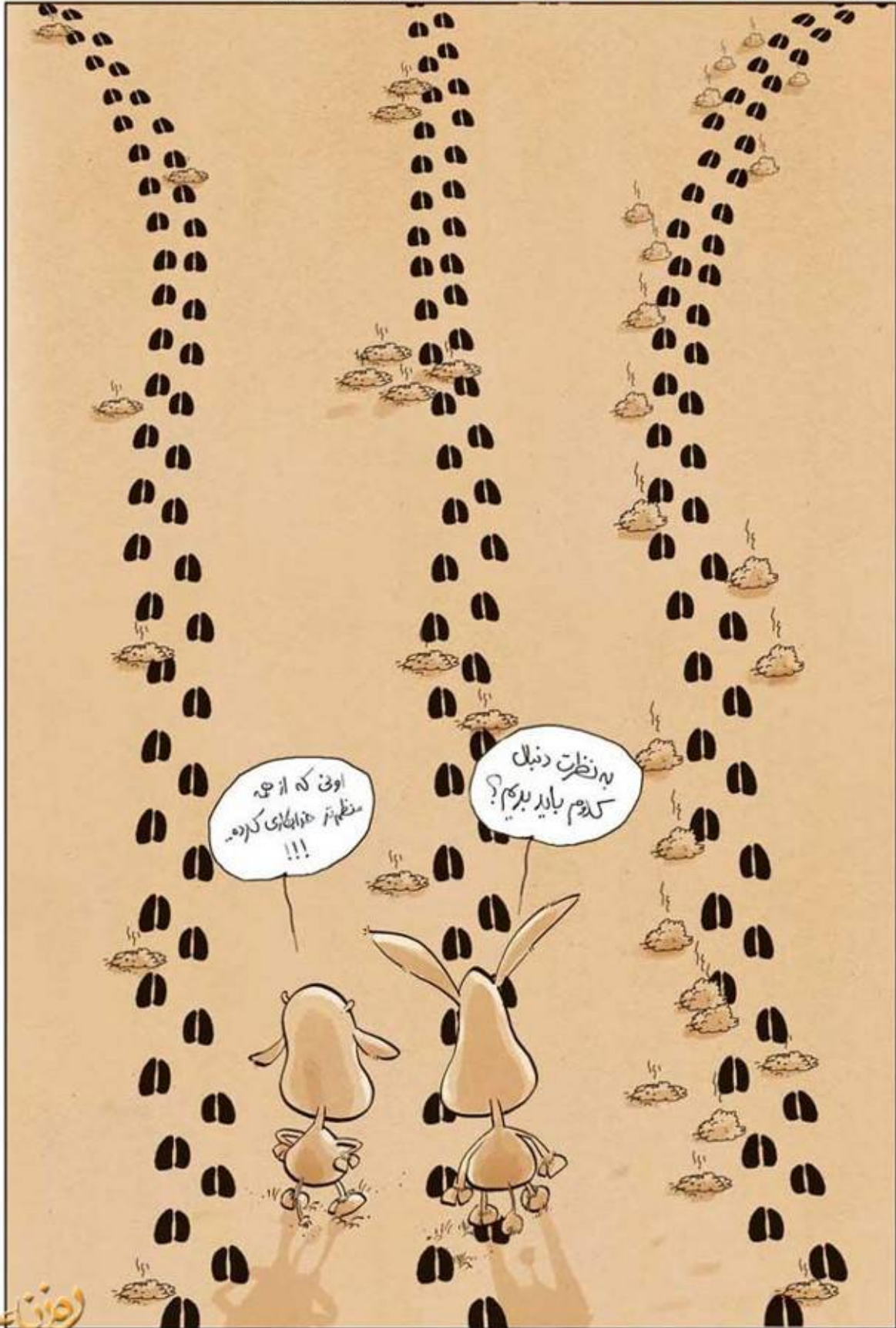


آدمها هر کدام از ما حیواناتها را
یک جوری می خورند. یعنی یک جایمان را
بیشتر درست دارند بخورند. مثلاً ما گو ساله ها
گوشت «ران» «ماهی» و «شیرمان» را می خورند.
... راستی آدمها کجای شما را می خورند؟



من گوساله ام

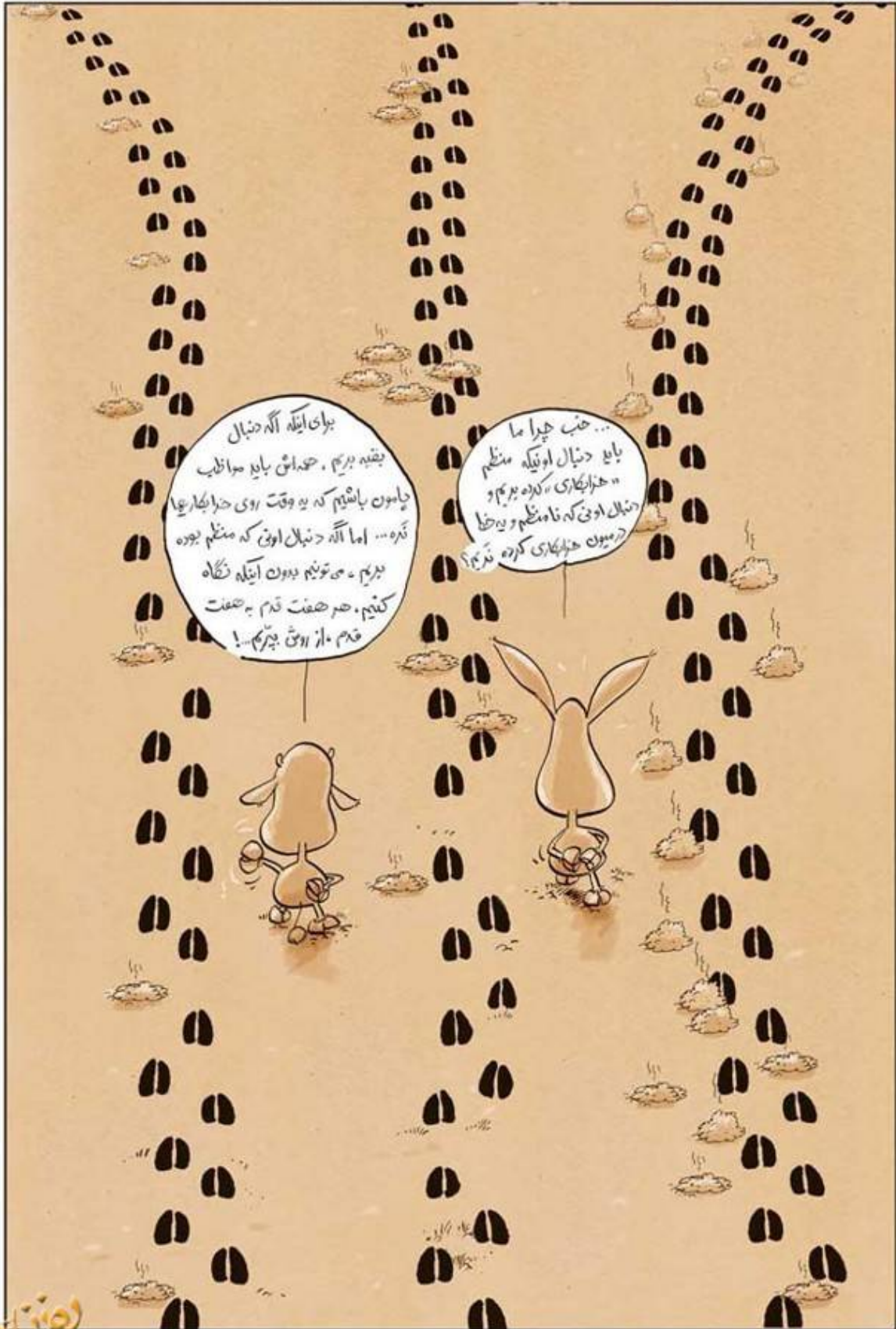
قسمت بیستم - بزرگمهر حسین پور



ادامه از صفحه ۱۰۱

قسمت پنجاه و نهم - دیوگر حسین پور

من گو ساله ام



برای اینکه آگ دنبال
بقیه ببریم ، حواسش باید مواظب
باشیم که به وقت روی خرابکاریها
نده ... اما آگ دنبال اون که منظم بوده
ببریم ، می تویم بدون اینکه نگاه
کنیم ، هم صفت قدم به صفت
قدم از روش ببریم ...!

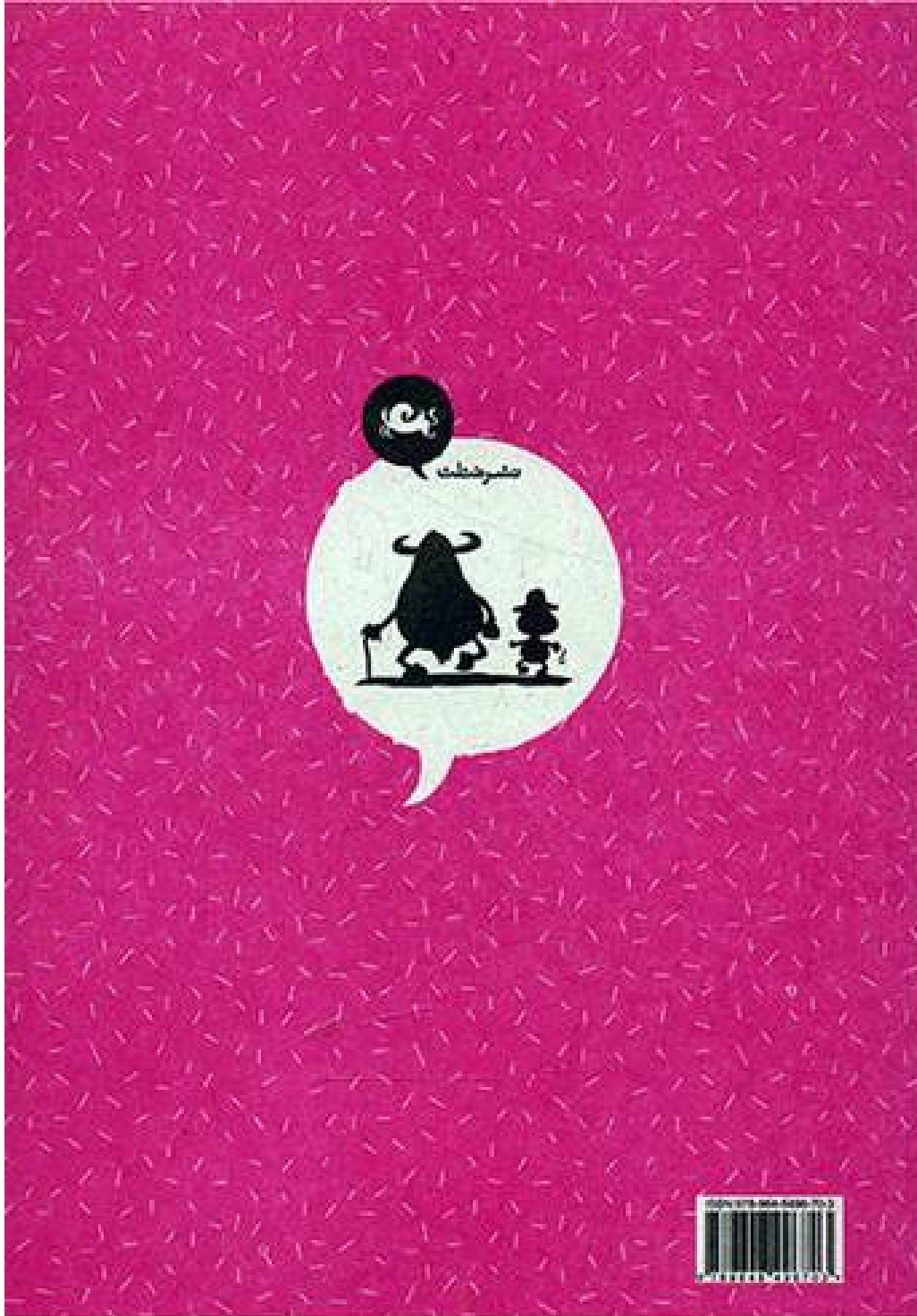
... حجب پیدا ما
باید دنبال اونیکه منظم
« هنرکاری » کرده ببریم و
تنبال اون که نامنظم و بی حجاب
در میون هنرکاری کرده نبریم؟

من گوساله ام



قصه ششم - بزرگمهر حسین پور





برای جمع آوری این کتاب الکترونیکی زحمت بسیار کشیده شده است

قیمت چاپی این کتاب در چاپ هشتم 13500 تومان می باشد.

پیشنهاد ما خرید کتاب چاپی و حمایت از طراح و نویسنده این کتاب می باشد.

این کتاب الکترونیکی رایگان و به هدف شادی و ترویج کتاب خوانی تهیه شده است.

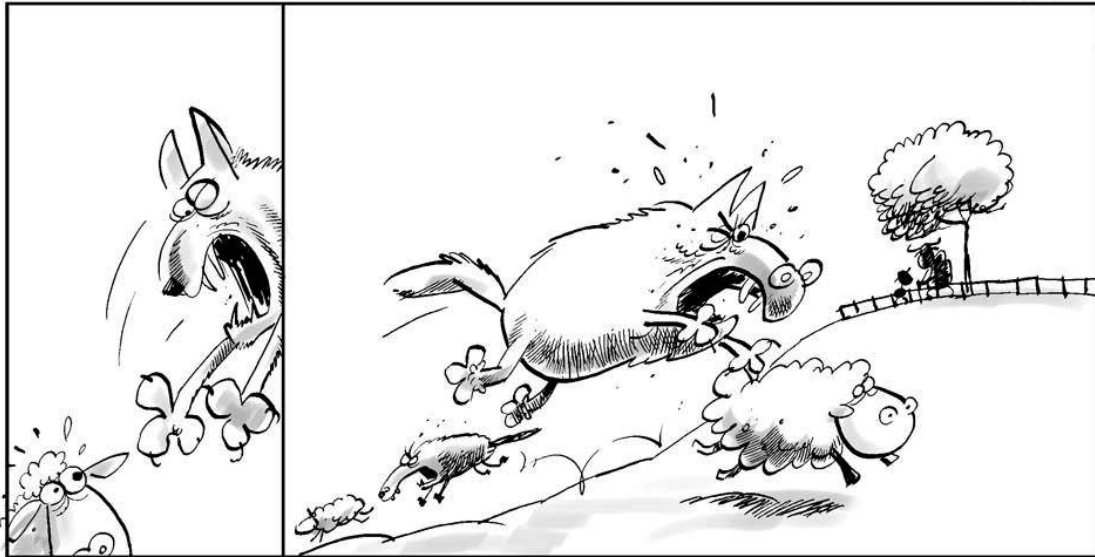
Email: payam.pinpin@yahoo.com

Website: <http://www.98iacharge.ir/>

سری دوم کتاب من گوساله ام بزودی.....

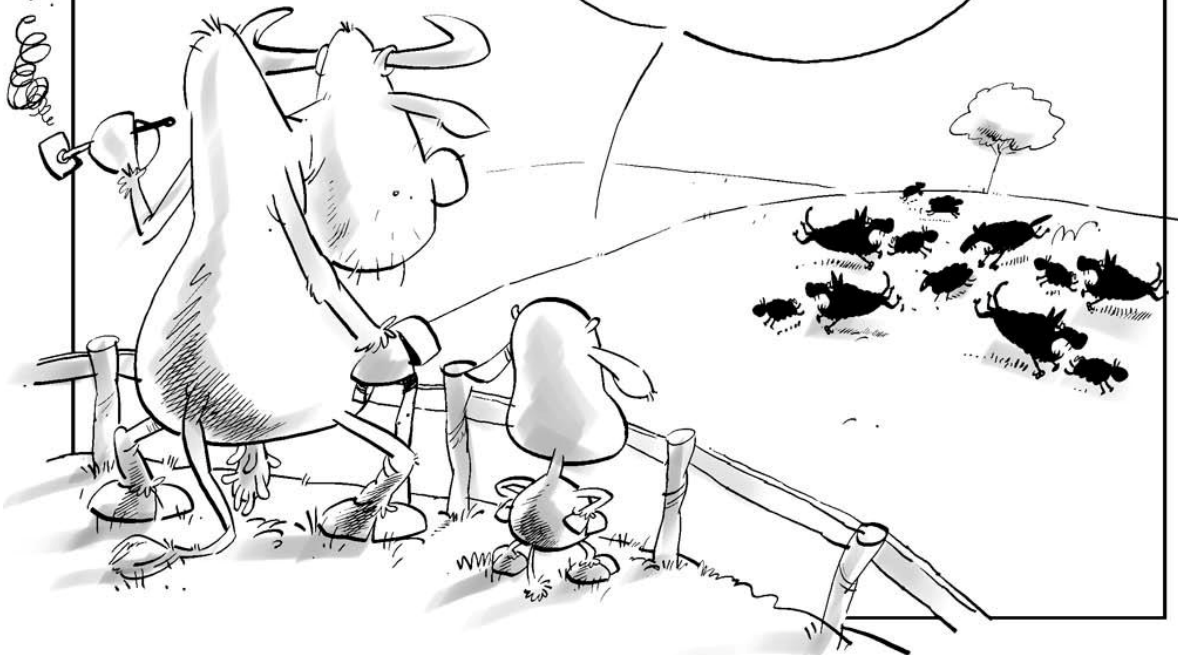
من گوساله ام

بزرگمهر حسین پور - قصه‌ها و ادا و اسطوره‌ها - بازگشت پدر بزرگ



آنها گرگ نیستند
پس ... سگ‌های
گل‌اند ...!

پدر بزرگ ... آنچه از نگاه
کنید ... گرگ‌ها ... گرگ‌ها دارند
گوسفندها را می‌خورند!





متولد 12 آذر 1355 تهران /

شروع فعالیت مطبوعاتی از سال 1369 با مجله گل آقا /

فعالیت در زمینه های مینیاتور، خوشنویسی و مجسمه سازی /

همکاری به عنوان کاریکاتوریست با مجلات کیهان کاریکاتور، سروش جوان، مجلات

رشد و روزنامه های: زن، نوروز، یاس نو، توانا و اقبال /

برنده جایزه اول جشنواره مطبوعات 1375 /

نفر اول مسابقه بین المللی آب-تهران 1376 /

نفر سوم مسابقه بین المللی گل آقا 1380 /

کارگردانی فیلم های کوتاه انیمیشن /

ساخت تیزرهای تلویزیونی

